

نقش آموزه‌های فقهی در طراحی راهبرد امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران

نجف لک زایی

استاد تمام گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، ایران، قم.

nlakzaee@gmail.com

محمد علی همدانی

کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام و دانشجوی دکتری (سطح چهارم)، ایران، قم.

hanedanee@gmail.com

چکیده

در نگرشی کلی، نوع نگاه به جهان و به بیان دیگر، باورهای دینی می‌تواند جهت‌گیری راهبردهای امنیتی و نظامی را مشخص کند. آنچه در پژوهش حاضر به دنبال پاسخش هستیم، واکاوی نقش آموزه‌های دینی در طراحی راهبرد امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران است. نگارندگان بر این باورند که آموزه‌های فقهی در بردارنده نقش محوری در طراحی راهبرد امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران است. درباره تشریح مبانی دینی، دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است. آنچه در این تحلیل‌ها مورد توجه قرار نگرفته است، نگرش منظومه‌ای به دین است. همین نگرش نظام‌مند به دین است که ضرورت استخراج الگوی مطرح‌شده را دوچندان می‌کند. در این پژوهش تلاش شده است تا با بهره‌گیری از روش تحلیلی و توصیفی و بر مبنای دیدگاه انسان‌شناسی امام خمینی علیه السلام و با توجه به نگرش سه‌لایه به انسان، نقش آموزه‌های فقهی در طراحی راهبرد امنیتی و نظامی بررسی گردد.

کلیدواژگان: فقه سیاسی، منابع فقهی امنیت، امنیت متعالیه، مبانی امنیت در اسلام، اندیشه فقهی امام خمینی علیه السلام، مسائل راهبردی و نظامی.

۱. استخراج‌شده از پایان‌نامه کارشناسی ارشد، با عنوان «نقش آموزه‌های دینی در تدوین راهبردهای امنیتی و نظامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، از دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

مقدمه

پس از ایمان به آموزه‌های اعتقادی، مهم‌ترین مسئله در حوزه امنیت، سرازیر شدن این نوع از باور به حوزه عمل است. بر مبنای آموزه‌های دینی، رفتار مکلفان در حوزه مسائل فقهی مطرح می‌شود؛ چراکه خداوند در قرآن کریم، علاوه بر تأکید به ایمان، امنیت را در همه ابعادش به صالحان و کسانی اختصاص داده است که مرتکب ظلم نشده‌اند: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ (انعام: ۸۲). در واقع ایمان مؤمنان و انجام اعمال صالح، مقتضی رعایت امنیت فردی و اجتماعی افراد و عدم تعرض و تعدی به حقوق آنان است. با توجه به این مسئله، در پژوهش حاضر به دنبال نقش آموزه‌های فقهی در تدوین راهبرد امنیتی و نظامی جمهوری اسلام ایران هستیم. در فقه امنیت مهم‌ترین مسائل امنیتی بر مبنای حفظ مصالح خمس مطرح می‌شود. به بیان رساتر، احکام فقهی برای تأمین این مصالح آمد است. این مقاصد یا ضروریات پنج‌گانه، عبارت‌اند از: حفظ نفس، حفظ مال، حفظ دین، حفظ نسب و حفظ عقل. با توجه به این مسئله، پرسش اصلی بحث به پنج زیرمجموعه تقسیم می‌شود که در هر یک از پرسش‌ها، نقش یکی از این مصالح فقهی، مورد کاوش قرار می‌گیرد.

در نگرش فقهی اگر انسان رفتار خود را بر مبنای فرمان‌های الهی تنظیم کند، صفت مؤمن را به خود می‌گیرد و انسان مؤمن، تولیدکننده امنیت است. بنابراین تنها تولیدکننده امنیت، خدای سبحان و هر آن کسی است که رفتارش مبتنی بر دستورهای الهی باشد. همچنین برهم‌زننده امنیت، ابلیس است. با این بیان، در آموزه‌های فقهی تهدید از فرد آغاز می‌شود و لذا امنیت‌سازی نیز باید از فرد آغاز گردد.

با این توصیف در حوزه امنیت، این نگرش همان چیزی است که از آن با عنوان امنیت متعالیه یاد می‌شود. تأکید بر انجام واجبات و ترک محرمات، جایگاه محوری آموزه‌های فقهی در امنیت متعالیه را ترسیم می‌کند. این نوع نگاه دقیقاً در برابر نظریه‌های امنیتی دیگر قرار می‌گیرد که از آنها با عنوان نظریات امنیت متعارف و یا متدانی یاد می‌کنیم.

هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل علمی و ارائه مقدمه‌ای برای تدوین نظریه امنیتی در نظام جمهوری اسلامی ایران است و با توجه به این موضوع که تا کنون نتوانسته‌ایم راهبرد امنیتی و نظامی مصوب و ابلاغ‌شده‌ای در جمهوری اسلامی ایران بیابیم، ضروری به نظر رسید که کوشش‌ها برای این مهم از سوی مراکز حوزوی و دانشگاهی آغاز شود. از سوی دیگر مراکز تصمیم‌گیری کلان نظام جمهوری اسلامی نیز می‌توانند از دستاوردهای این پژوهش بهره‌مند شوند. آنچه در تبیین پیش‌فرض‌های این پژوهش باید بدان اشاره کرد، این است که نگارندگان بر این باورند که راهبرد

امنیتی و نظامی در بیشتر کشورهای ریشه در باورهای دینی و ایدئولوژیک آن کشور دارد. از سوی دیگر با توجه به اکتشافی بودن موضوع، پژوهش حاضر از هیچ‌گونه فرضیه‌ای بهره نمی‌برد.

چارچوب نظری

در سنت اسلامی از دانش سیاسی به «علم مدنی» تعبیر می‌شود. فارابی در احصاء العلوم، علم مدنی را به دو بخش فلسفه مدنی و فقه مدنی تقسیم می‌کند. فقه سیاسی مواجهه دوسویه زندگی سیاسی و نصوص اسلامی از طریق زبان و دستگاه فقه است. فقه امنیت در ادامه چنین دیدگاهی قابل فهم است (لک‌زایی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۹).

فقه کتاب‌های خود را بر اساس موضوعات خاصی مانند طهارت، نماز، روزه و حج باب‌بندی، و برخی فقیهان این ابواب را به چند گروه تقسیم کرده‌اند. ظاهراً نخستین فقیهی که چنین تقسیمی ارائه داده و بر اساس آن ابواب فقه مربوط به هر گروه را در جای خود بحث کرده، محقق حلی است. این فقه در سده هفتم هجری تمامی ابواب فقه را در چهار گروه عبادات، احکام، عقود و ایقاعات گنجانده است (شریعتی، ۱۳۸۰، ص ۴۱). بیشتر فقیهان پس از او نیز این تقسیم را پذیرفته‌اند؛ هرچند شکل ابتدایی این تقسیم در آثار فقه‌های پیش از وی از جمله سلار دیلمی دیده می‌شود (سلار دیلمی، ۱۹۹۴، ص ۲۸ و ۱۴۵).

شهید اول، نظام‌های سیاسی را از جمله «وسایلی» تلقی می‌کند که مصالحی «تبعی» دارند و «احکام» آنها تابعی از حفظ مصالح خمس است؛ یعنی احکامی فقهی برای تأمین این مصالح آمده است. ایشان مقاصد یا ضروریات خمس را چنین برشمرده است: حفظ نفس، حفظ مال، حفظ دین، حفظ نسب و حفظ عقل (شهید اول، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸).

«حفظ نفس» که «امنیت جانی» است، به وسیله برخی احکام فقهی از قبیل قصاص، دیه و دفاع تأمین می‌شود؛ «حفظ مال» یا «امنیت اقتصادی» از طریق بعضی احکام فقهی همچون تحریم غصب و سرقت و خیانت و راهزنی تأمین می‌گردد؛ «حفظ دین» که «امنیت فرهنگی» به شمار می‌آید، با برخی احکام فقهی مانند حرمت نگهداری و خرید و فروش کتب و ابزارهای فرهنگی گمراه‌کننده (ضاله)، حرمت موسیقی طرب‌انگیز، و وجوب تعلیم مسائل شرعی و مبارزه با ارتداد محقق می‌شود؛ «حفظ نسب» یا «امنیت خانواده»، به واسطه برخی احکام فقهی از قبیل تحریم زنا، احکام مربوط به محرم و نامحرم، حجاب، ازدواج، طلاق و عده تأمین گردد و نهایتاً «حفظ عقل» یا «امنیت روانی» از طریق بعضی دیگر از احکام فقهی همچون تحریم مسکرات و حد آنها تأمین شود (همان).

گفتنی است که در تقسیم و تحلیل مذکور، عمدتاً حوزه امنیت فردی غلبه دارد و مباحث مهمی از قبیل امنیت ملی، نادیده گرفته شده‌اند. در اینجا به این پاسخ اجمالی بسنده می‌کنیم که در فقه ذیل عناوین دیگری چون حفظ دارالاسلام، حفظ بیضه مسلمین و در باب جهاد در سطحی وسیع‌تر، به این بحث پرداخته شده است؛ زیرا بحث جهاد، که از معروف‌ترین مباحث فقه است، مرتبط با «حفظ دارالاسلام» یا دربردارنده «امنیت ملی» است. احکام دیگری چون حرمت غیبت، تهمت، دروغ، حد قذف و وجوب وفای به عهد که تأمین‌کننده امنیت روانی و اجتماعی‌اند نیز به تفصیل در فقه بحث و بررسی شده‌اند. به نظر می‌رسد شهید اول نیز به این مطلب توجه داشته است؛ زیرا ایشان در امتداد مصالح خمس، هر چیزی را که به نوعی وسیله جلب مصلحت و دفع مفسده در اجتماع انسانی است، داخل در احکام شریعت انگاشته و امامت، سیاست و حکومت را ذیل این امور تحلیل کرده است (لک‌زائی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۰)؛ حوزه متغیر و متصوری که امکان تشریح تفصیلی و ثابت در تمام موارد وجود ندارد و شارع به دلیل ماهیت این قلمرو از زندگی بشر، در برخی موارد به «تشریعات عامه» یا «قوانین کلی» بسنده نموده و تفصیلش را به حکومت حاکم و انهاده است (شهید اول، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹).

از مباحث گذشته چند نکته روشن می‌شود: نخست اینکه از تعبیر فقهی واژه «حفظ» معنایی تقریباً معادل یا نزدیک واژه «امنیت» استفاده می‌شود؛ دوم اینکه به دلیل متغیر بودن مسائل مربوط به زندگی سیاسی و از جمله مسائل امنیتی، بخشی از اختیارات در این حوزه در احکام حکومتی قرار می‌گیرد. براین اساس می‌توان گفت مشهورترین واژه‌ای که در سنت مطالعات فقهی برای تعریف «امنیت» به کار رفته است، واژه «حفظ» است (لک‌زائی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۰).

بنابراین سیر تحول مفهوم امنیت در فقه و بررسی نوع نگاه فقها به موضوع امنیت، ذیل عناوینی چون حفظ نفس، حفظ مال، حفظ دین، حفظ نسب و حفظ عقل، به عنوان مقومات جامعه اسلامی جست‌وجو می‌شود که در ادامه، جداگانه به تبیین هر یک از این پنج مؤلفه پرداخته می‌شود.

۱. نقش آموزه‌های فقهی در تدوین راهبرد امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران با محوریت امنیت فردی

حفظ نفس یا امنیت جانی، یکی از شاخه‌های امنیت فردی است که در کنار سکینه و قرب الهی (ایمان)، به همراه حفظ مال که در آینده به آن خواهیم پرداخت، هدف نهایی در امنیت فردی را شکل می‌دهد. در این بُعد، تجاوز به حریم حقوق دیگران، افساد، ایذا، تجسس، غیبت، تهمت و تصرف ناحق مال (غصب)، عواملی هستند که به عنوان آسیب و تهدید امنیت مطرح می‌شوند.

با توجه به اینکه در فقه، انجام معروف، امنیت‌آفرین است و ارتکاب معصیت، ناامنی ایجاد می‌کند، امنیت فردی از منظر فقه عبارت است از اینکه «فرد با انجام دادن یا انجام ندادن تکالیفی مانند انجام واجبات و مستحبات و ترک محرمات مانند خودکشی و مکروهات، برای خود مصونیتی تولید می‌کند تا از آسیب، تعرض و تهدیدهایی همچون ظلم، گناه، تهدیدهای جانی، مالی و عرضی و فشارهای روحی و روانی در امان بماند تا به وضعیت آرامش و اطمینان خاطر و آسودگی دست یابد و یا وضعیت امن و آرام خود را حفظ نماید» (نباتیان، ۱۳۹۲، ص ۴۴).

کارگزاران این نوع ناامنی یا اشخاص عاصی هستند و یا حکومت جائر که در برابر آن مکلفان مؤمن و متدین و یا نهادهای حکومتی عادل به همراه نهاد قضا به مقابله با این عوامل می‌پردازند؛ اما ملاک کلی برای مقابله با این‌گونه ناامنی، انجام واجبات، ترک محرمات، حفظ کرامت انسانی و برپایی نظام عدل است.

به بیان دیگر بر مبنای آموزه‌های اسلامی وجود نفس اماره در انسان به عنوان آسیب درونی از عوامل ناامنی است: ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ﴾ (یوسف: ۵۳). همچنین وجود شیطان و قسم خوردن او مبنی بر اغوای انسان‌ها: ﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ (ص: ۸۲)، عامل دیگری است که امنیت انسان را تهدید می‌کند. بنابراین تهدید و آسیب تنها ضعیف می‌شوند و هیچ‌گاه حذف نمی‌شوند. لذا امنیت‌سازی نیز می‌باید از فرد آغاز شود و سپس در اجتماع بشری، جامعه‌پذیر گردد. در اینجا به احکام و قوانین فقهی که در راستای تأمین امنیت فردی قرار می‌گیرند، می‌پردازیم. کرامت، شرف و آبروی انسان از تأکیدات آموزه‌های فقهی است؛ چه از قبل افراد دیگر و چه از قبل گروه‌ها و چه از جانب نظام سیاسی. تکریم انسان در قرآن چنان بزرگ تصویر شده است که حتی ابلیس پس از هزاران سال عبادت، به سبب عدم تکریم انسان از درگاه الهی رانده شد (حجر: ۳۴). ضرورت حفظ کرامت انسان و حرمت تضييع آن با هر ابزار و رفتار و کلامی از راه‌های تأمین امنیت فردی به شمار می‌آید. اساساً حرمت خودکشی و انتحار در فقه و یا حق اولیای دم در قصاص یا اخذ دیه از قاتل یا ضارب از باب حفظ کرامت انسان است (نباتیان، ۱۳۹۲، ص ۴۶).

برپایی نظام مبتنی بر عدل، یکی دیگر از وجوه امنیت فردی است. مبحث عدالت، در بردارنده بُعد اعتقادی آموزه‌های دینی است؛ اما همان‌گونه که اشاره شد، مهم‌ترین ویژگی در طرح‌ریزی دکترین و راهبرد، خروج آموزه‌های دینی از حوزه باور صرف به بعد عمل است. ایجاد نظم مبتنی بر عدالت بدین معناست که در آن، حقوق انسان‌ها از هر نوع تعرض در امان ماند. بر اساس تعالیم قرآنی سه عامل تهدیدکننده امنیت‌اند: ظلم، تجاوز به حقوق دیگران و افساد و ایجاد بی‌نظمی و اختلال در جامعه.

از مصادیق تعرض و تعدی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ایذا، استهزا، سوءظن، تجسس، غیبت، عیب‌گیری و لقب زشت‌گذاری و تصرف ناحق مال افراد (نباتیان، ۱۳۹۲، ص ۴۷). اصولاً در روایتی وجه نام‌گذاری مؤمن به مؤمن، در امان بودن جان و مال دیگران از «تعرض» اوست (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۶۴، ص ۶۰). در فقه قاعده عدالت معیار استنباط احکام به شمار آمده است (شریعتی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۸-۲۴۰).

با مراجعه به اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران، به خوبی می‌توان جایگاه آموزه‌های فقهی در تدوین راهبرد امنیتی و نظامی ایران اسلامی را مشاهده کرد. بر مبنای اصل چهارم قانون اساسی، تشریح هر نوع قانون در تمام حوزه‌های بیان‌شده باید طبق آموزه‌های اسلامی باشد. «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشند». نمونه بارز دیگر امنیت‌سازی در حوزه‌های بیان‌شده را می‌توان در اصل بیست و دوم قانون اساسی مشاهده کرد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است».

همچنین در قانون اساسی جمهوری اسلامی در کنار سرفصل‌های محوری دیگر، مسئله حفظ جان، مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفت. همان‌گونه که اشاره شد، در امنیت شخصی، بحث کرامت انسانی از جمله دیگر موضوعات این حوزه امنیتی است. این موضوع نیز در مقدمه قانون اساسی مورد اهتمام قرار گرفته است: «پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت انبای بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید بر عهده همگان است» (منصوری، ۱۳۸۷، ص ۲۱). همچنین بند ششم از اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی به صراحت کرامت انسانی را از جمله پایه‌های این نظام می‌شمارد: «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: ... کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا». امام خمینی رحمته‌الله نیز در سخنرانی خود با جمعی از پاسداران انقلاب اسلام بر این مهم تأکید می‌کند و می‌فرماید: «شما پاسدارید؛ پاسدار باید حفاظت کند: حفاظت کنید برادران خودتان را، کشور خودتان را؛ به آن قدری که می‌توانید» (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۸۸). در نگاه امام راحل، و وجوب حفظ جان مسلمان از جمله مسائل مهم است: «ان‌شاءالله خداوند شما را به وظایف پاسداری تأیید کند که هم پاسداری از خودتان باشد و هم پاسداری از اسلام» (همان، ج ۸، ص ۲۴۹). در نگاه ایشان در تعارض بین حفظ جان مسلمانان و خود اسلام، مرجع نهایی اسلام است: «حفظ جان مسلمان بالاتر از دیگر چیزهاست. حفظ خود اسلام از جان مسلمان هم بالاتر است» (همان، ج ۱۵، ص ۱۱۶). کرامت انسانی از جمله موارد دیگر در حوزه امنیت فردی است

که امام امت درباره این مهم می‌گوید: «خداوند شما را با کرامت خلق کرده است؛ آزاد خلق کرده است» (همان، ج ۶، ص ۳۰۱).

مقام معظم رهبری نیز از این مهم به عنوان سرلوحه تعالیم اسلامی یاد می‌کنند: «ما با تکیه بر تعالیم اسلام که کرامت انسانی یکی از سرلوحه‌های آن است و...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۸). ایشان در دیداری با نمایندگان ششم دوره مجلس شورای اسلامی، یکی از مهم‌ترین راهبرهای حفظ کرامت انسانی را فراهم آوردن شرایط اقتصادی مناسب می‌دانند:

امروز در بعضی از گفته‌ها و اظهارات، راجع به شأن و شخصیت و شرف و کرامت انسان در جامعه حرف زده می‌شود. این بلاشک از اصول اسلامی است؛ اما کدام نقض کرامت انسانی بالاتر از اینکه انسانی، رئیس عائله‌ای، پدر خانواده‌ای، در جامعه‌ای که در آن همه چیز هم هست، نتواند اولیات زندگی فرزندان خودش را تأمین کند؟! کدام تحقیر از این بالاتر است؟! کدام نقض شخصیت و شرف و کرامت انسانی از این بالاتر است؟! صبح تا شب کار کند، آخرش به من یا به شما یا به آن مسئول دیگر نامه بنویسد که من دو ماه است به خانه‌ام گوشت نبرده‌ام! (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۹، ص ۱۰).

۲. نقش آموزه‌های فقهی در تدوین راهبرد امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران با محوریت امنیت اقتصادی

فقه اسلامی، فقهی مدون است که ثابتات و متغیرات دارد. همچنین این سخن پذیرفته شده است که فقه، جنبه دستوری الگوهای رفتاری است. با توجه به این امر که اسلام نگرش جهان‌شمول و ابدی دارد، بنابراین می‌توان این نتیجه را استخراج کرد که آموزه‌های فقهی مشتمل بر قوانینی است که امنیت اقتصادی جامعه اسلامی را تضمین می‌کند.

در آموزه‌های فقهی، شارع مقدس در کنار این موضوع به مبارزه با عوامل ناامنی اقتصادی پرداخته که می‌توان به اهم آنها اشاره کرد: دشمن بیکاری، حرمت ربا، رشوه و احتکار، بطلان معامله غرری،^۱ منتفی بودن ضرر، ممنوعیت استثمار، حرمت اسراف و تبذیر، حرمت کسب از طریق کارهایی چون مبادله‌ای که موجبات اغراء به جهل و تثبیت نادانی‌ها شود؛ مبادله موجبات اضلال و اغفالش شود؛ کاری که موجب تقویت دشمن شود؛ تحصیل درآمد از طریق امور زبان‌بار به حال فرد یا جامعه؛ حرمت کسب پیرامون کاری که در حدی از قداست است که طرف معاوضه

۱. نَهَى النَّبِيُّ عَنِ الْغَرْرِ (صحيح مسلم، ج ۳، ص ۱۱۵۳).

واقع شدن آنها بر ضد حرمت و حیثیت آنهاست. اینها همه از جمله ویژگی‌هایی است که نظام اقتصادی اسلامی را از دیگر نظام‌ها متمایز می‌کند.

شناخت عوامل تولیدکننده امنیت اقتصادی در کنار آگاهی از آسیب‌ها و تهدیدهای آن، بخشی از مبانی تأمین امنیت است. آموزه‌های فقهی علاوه بر تعیین مجازات برای برهم‌زنندگان امنیت اقتصادی، به ارائه راهکار نیز می‌پردازد. مبانی فقهی و رهنمودهای الهی حاکم بر امنیت اقتصادی در قالب ابواب و فروع مختلف فقهی تبیین شده که در ادامه به بررسی اجمالی و مهم‌ترین راهبردهای مطرح‌شده پرداخته می‌شود.

فقر از جمله عوامل ناامنی است که علاوه بر برهم زدن نظام اقتصادی، حوزه‌های دیگر امنیتی و یا به بیان ساده‌تر، هر سه حوزه اعتقادات، اخلاق و فقه را مورد تهدید قرار می‌دهد. در بعد فقهی شارع مقدس اهتمام فراوانی بر رفع این بحران در جامعه اسلامی داشته است. در نگاه شارع، فقرا و مساکین نخستین مستحقان زکات معرفی شده‌اند. همچنین خمس، صدقات، انفال و... به همراه تکافل عام و یا با همیاری دولت اسلامی از جمله موارد اهتمام فقه به این عامل ناامنی است.

اسراف و تبذیر از دیگر عوامل ناامنی اقتصادی است. بر مبنای آموزه‌های فقهی، تضييع مال به هر شکل و صورت، به شکل دور ریختن، به صورت بیش از حد نیاز مصرف کردن، به صورت صرف در اشیای لوکس و تجملات فاسدکننده، که در زبان اسلام از آنها به «اسراف» و «تبذیر» تعبیر شده، حرام و ممنوع است (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۴۵).

از جمله عوامل ناامنی، رباست. حرمت ربا، تحقیقاً به‌وسیله قرآن کریم و سنت و اجماع مسلمین ثابت است. یکی از خواص ربا کاهش مال و فناى تدریجی آن است. چون ربا موجب قساوت قلب و خسارت می‌شود و این دو سبب بغض و عداوت و سوءظن می‌گردند و امنیت و مصونیت را سلب می‌کنند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۴۳).

در کنار آموزه‌های اخلاقی و اعتقادی، قواعد فقهی مدونی برای برقراری امنیت اقتصادی و سازوکار تأمین آن وجود دارد که در ابواب فقه مورد توجه قرار گرفته است. هرچند گستره این موضوع بسیار فراوان است، اما این مختصر گنجایش تبیین و حتی ذکر عنوان کلی آن را ندارد و در ادامه تنها به مهم‌ترین این مباحث خواهیم پرداخت.

قاعده تسلیط مبتنی با عنوان «الْأَسُّ مَسْلُطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ» از قواعد تحقق‌بخش حفظ مال در مصالح خمسه است. مراد از سلطنت در اینجا همان سلطه کامل و عام مالک بر مال خود است (شریعتی، ۱۳۸۷، ص ۳۴۷). در نظام اقتصادی اسلام، خمس و زکات از آن حیث مهم‌اند که سازوکار تعدیل‌کننده ثروت را بر عهد دارند.

با مراجعه به بیانات بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، به خوبی می‌توان اهتمام ایشان در حوزه امنیت اقتصادی را مشاهده کرد. در این باره، تأکید امام راحل بر مقابله با عوامل امنیت‌سوز نظام جمهوری اسلامی ایران، نشان از توجه خاص ایشان بر اجرایی شدن آموزه‌های فقهی در حوزه عمل و به شکل خاص در عرصه اقتصادی دارد. نمونه بارز آن را می‌توان در راهبرد مقابله با چالش امنیت‌سوز ربا و رشوه مشاهده کرد. در مقابل، امام خمینی رحمته الله علیه کارکرد قرض الحسنه در حوزه امنیت اقتصادی اسلام را این‌گونه تبیین می‌کند:

قرض الحسنه از اعمال بسیار خوب است و بهتر از همین طور پول دادن (صدقه) است و نکته‌اش هم، شاید یکی این باشد که در قرض الحسنه، فعالیت دنبالش هست؛ در معنای، شاید گدا درست کردن باشد. از این جهت این یک فعالیتی ایجاد می‌کند. آن کسی که قرض می‌کند و موظف است که بدهد، این به فعالیت می‌افتد که در وقت خودش بتواند قرضش را ادا کند و بعد هم مازادی که پیدا کرده است ادامه بدهد به کار خودش؛ لکن آن کسی که نشسته کنار کوچه و از مردم [گدایی] می‌خواهد، آن هیچ وقت در فکر این نیست که یک کاری بکند؛ برای اینکه دیگر مطالبه‌ای ندارد؛ کسی نمی‌آید از او مطالبه کند که اینکه گرفتی بده. قرض بسیار اهمیت دارد و قرض الحسنه بسیار اهمیت دارد. و به همان اندازه‌ای که قرض به ربا محکوم است، به همان اندازه قرض به حسنه و بدون ربا و همین طور قرض دادن به همان اندازه مطلوب است (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۴۲۶-۴۲۸).

امام خمینی رحمته الله علیه بهره‌مندی از نظام اقتصادی اسلام را به عنوان برطرف‌کننده مشکلات و نابرابری‌ها معرفی می‌کند. به عقیده ایشان، این راهبرد باید در حمایت از مستضعفین کانالیزه شود تا نظام جمهوری اسلامی، از چالش‌های امنیت‌سوز در امان بماند:

بدون شک جهان‌خواران به همان میزان که از شهادت‌طلبی و سایر ارزش‌های این‌اثرگران ملت ما واهمه دارند، از گرایش و روح اقتصاد اسلام به طرف حمایت از پابرهنگان در هراس‌اند و مسلّم هر قدر کشور ما به طرف فقرزدایی و دفاع از محرومان حرکت کند، امید جهان‌خواران از ما منقطع و گرایش ملت‌های جهان به اسلام زیادتر می‌شود (همان، ج ۲۰، ص ۳۴۲).

بر مبنای آنچه در مقدمه قانون اساسی آمده است، مبتنی بر آموزه‌های اسلام، در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز تکاثر ثروت و سودجویی؛ زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف

است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود؛ ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه، برنامه اقتصاد اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است، و بنابراین تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است (منصوری، ۱۳۸۷، ص ۲۱).

در آموزه‌های فقهی، حوزه اقتصادی یکی از سرفصل‌های مهم تأمین امنیت است. با مراجعه به اصول ۳، ۳۱، ۴۳، ۴۶، ۴۷ و ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌خوبی می‌توان نتیجه گرفت که فاکتورهای مهم امنیت‌سازی در حوزه آموزه‌ای فقهی، مورد توجه تدوینگران قانون اساسی بوده است. تدوینگران میثاق ملی در اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌صراحت عوامل امنیت‌سوز در حوزه آموزه‌های فقهی را مشخص کرده‌اند و به مبارزه با آن پرداخته، به‌صراحت از آن منع می‌کنند: «منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام، منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور».

باور به آموزه‌های دینی یکی از مسائل مهم در حوزه تدوین راهبرد امنیتی و نظامی است؛ اما عمل به این باور در حوزه آموزه‌های فقهی است. از منظر مقام معظم رهبری رابطه مستقیم بین این دو حوزه در مسئله امنیت اقتصادی وجود دارد:

البته اعتقاد من این است که بخش‌های اقتصادی ما اگر می‌خواهند مردم متدین شوند، معاش مردم را تأمین کنند؛ چون «من لا معاش له لا معاد له». اگر بخش‌های اقتصادی دولت، معاش مردم را تأمین کردند، مردم متدین خواهند شد؛ اما از این گذشته، مسئله استقرار معنویت و جلوگیری از مظاهر فساد یا شیوع فساد یا شیوع بی‌دینی و به‌خصوص تظاهر به این معنا، جزو کارهای واجب است. خدای متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا﴾؛ (اسراء: ۱۶). وقتی می‌خواهیم جامعه‌ای را نابود کنیم - سازوکار و طبیعتش در سنت الهی این است - مترفین و پول‌دارهایشان فسق می‌کنند: ﴿فَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَا هَا تَدْمِيرًا﴾ (همان). بعد عذاب الهی بر اینها نازل می‌شود. لازمه فسق آنها، ورود عذاب الهی است. بروبرگرد هم ندارد؛ یعنی این سازوکار روی همه جوامع اثر می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۰، ص ۱۶).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که مبتنی بر آموزه‌های فقهی در حوزه اقتصاد، هر آنچه مورد تأیید

شارع باشد، امنیت‌ساز است و هر آنچه مبتنی بر نهی شارع باشد، امنیت‌سوز است؛ بنابراین همان‌گونه که عواملی چون ربا، ارتشا و احتکار امنیت‌سوزند، عواملی چون صدقه و قرض امنیت‌سازند.

۳. نقش آموزه‌های فقهی در تدوین راهبرد امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران با محوریت امنیت فرهنگی

فرهنگ به مجموعه ارزش‌های نهادینه‌شده در جامعه اطلاق می‌شود که آن را از دیگر جوامع متمایز می‌سازد (آلن بیرو، ۱۳۷۰، ص ۷۷ و ۷۸). براین اساس امنیت فرهنگی ظرفیت یک جامعه برای حفاظت از ویژگی‌های خاص خود در مقابل تغییر شرایط و تهدیدات مادی و معنوی است (آشنا و اسمعیلی، ۱۳۸۹، ص ۷۶).

امنیت فرهنگی را از منظر فقه می‌توان به این صورت تعریف کرد: مکلفین «افراد، نظام اسلامی و عموم مسلمین» با انجام دادن یا انجام ندادن تکالیفی مانند تقید به آداب و شرعی، نظیر حجاب و تعظیم شعائر اسلامی، و تحریم محرمانی چون ارتداد، کتب ضاله و بدعت، برای خود مصونیتی تولید می‌کنند تا از آسیب، تعرض و تهدیدهایی همچون استحاله دین و ارزش‌های دینی، بسط مفاسد اخلاقی و اجتماعی در امان بمانند و به وضعیت فرهنگی مطلوب و معرف در اسلام دست یابند و یا وضعیت موجود را حفظ کنند (نباتیان، ۱۳۹۲، ص ۱۵۸).

دعوت و جهاد از جمله عوامل امنیت‌ساز در حوزه فقه فرهنگی هستند. دعوت به مفهوم توضیح و تشریح اعتقادات، باورها و ارزش‌های اسلام برای افراد است تا با شناختن اسلام، به آن ایمان آورند (شریعتی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۱). گفتنی است که فقها بحث از دعوت را عموماً در کتاب الجهاد بیان کرده‌اند و معتقدند که بر حاکم مسلمانان دعوت غیر مسلمین پیش از آغاز جنگ، واجب کفایی است نه واجب عینی. صرف دعوت ولو از سوی یک نفر، کافی است و لازم نیست همه به دعوت بپردازند (شریعتی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۱).

امعان نظر در قاعده فقهی دعوت، نشان می‌دهد که اساساً جهاد و دعوت در یک مسیر قرار دارند و آن حفظ دین و ارزش‌های الهی و نیز نظام اسلامی و در نتیجه صیانت از امنیت فرهنگی جامعه اسلامی است (نباتیان، ۱۳۹۲، ص ۱۷۸). در واقع دعوت پیش‌درآمد جهاد به شمار می‌آید و به همین دلیل بسیاری از فقها معتقدند قبل از آغاز جهاد، دعوت واجب است و جهاد بدون دعوت را نامشروع می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۵۲-۵۳).

پشتیبانی مالی از جمله عوامل مؤثر در ترویج باورهای دینی و حفظ امنیت فرهنگی است. در فقه شیعه منابع مالی متعددی جهت حفظ دین، تبلیغ، ترویج اعتقادات و ارزش‌های دین - به عنوان

مبانی فرهنگ در جامعه اسلامی - تعریف شده است که برخی تکلیف هستند؛ همانند خمس و زکات و بعضی تشویقی اند نظیر وقف. این منابع در اختیار امام معصوم یا نماینده خاص یا عام ایشان قرار می‌گیرند تا بخش معین آن را در جهت تأمین اهداف فوق به کار گیرد (نباتیان، ۱۳۹۲، ص ۱۷۸).

بر مبنای آموزه‌های فقهی، از جمله عوامل امنیت‌ساز در حوزه فرهنگ، زنده نگاه داشتن شعائر الهی است. «شعائر» جمع «شعیره» به معنای علامت است و «شعائر اله» علامت‌هایی هستند که انسان را به یاد خدا می‌اندازند و خاطره‌ای از خاطرات مقدس را در نظرها تجدید می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۳۹).

یکی از چالش‌های نظام اسلامی در بعد فرهنگی، غرب‌زدگی خواص جامعه است. از منظر امام خمینی رحمته‌الله تنزل از شعائر اسلامی و توجه به غرب یکی از عوامل امنیت‌سوز جمهوری اسلامی ایران است: «ما تا آمدیم مغز این آقایان را از غرب‌زدگی خارج کنیم، پشت هشتم ما شاید بشود این کار. من نمی‌دانم آقایان از غرب چه دیده‌اند؟ غرب همین است که شما ملاحظه می‌کنید که این طور جنایات می‌کنند» (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۵۰). در امنیت فرهنگی، اهمیت این موضوع به قدری است از منظر امام راحل زنده نگاه داشتن شعائر جایگاهی فراتر پیدا می‌کند و به عنوان هدف محوری انقلاب اسلامی مطرح می‌شود: «انقلاب کردیم که شعائر اسلام را زنده کنیم» (همان، ج ۱۳، ص ۳۲۷). از این‌روست که برای مقابله با مسئله امنیت‌سوز غرب‌زدگی، راهبردی که امام امت در پیش می‌گیرند، زنده نمودن شعائر اسلام است:

از مردم می‌خواهیم تا بر پایه‌های اسلامی خویش تکیه زنند و بر غرب و غرب‌زدگان که موجب نابودی فرهنگ آنان شده است پشت پا زنند. خود را از وابستگی نظامی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به هر وسیله که شده است نجات می‌دهیم. البته خوب می‌دانیم که با چه گرفتاری‌هایی روبه‌رو خواهیم شد؛ ولی تقریباً باید از صفر شروع کنیم (همان، ج ۵، ص ۱۳۳).

با مراجعه به اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران شاهد آن هستیم که امنیت فرهنگی از دیگر معیارهای محوری در تدوین راهبرد امنیتی و نظامی در حوزه آموزه‌های فقهی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه تدوینگران این میثاق ملی قرار گرفته است. از جمله نهادهای محوری در حوزه فرهنگی، نهاد رسانه است. بر مبنای آنچه در مقدمه قانون اساسی آمده، مقرر شده است که وسایل ارتباط جمعی (رادیو-تلویزیون) باید در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرند و در این زمینه از برخورد سالم

اندیشه‌های متفاوت بهره جویند و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کنند (منصوری، ۱۳۸۷، ص ۲۱).

فرهنگ‌سازی در راستای آموزه‌های اسلامی و مقابله با نگرش ضد اسلامی به‌خوبی در اصول ۲۴ و ۱۷۵ قانون اساسی مورد اهتمام قرار گرفته است. بر مبنای اصل ۲۴: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند». همچنین بر مبنای اصل ۱۷۵: «در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد».

ارتقای دانش و فرهنگ یک جامعه از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که در تأمین امنیت نقش بسزایی دارد. این مهم نیز در اصل ۳۰ قانون اساسی در قالب تحصیل رایگان، مورد توجه تدوینگران قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد».

مقام معظم رهبری، برای مقابله با عوامل ناامنی در حوزه فرهنگ، عبرت‌گیری از مسئله عاشورا و عوامل انحراف جامعه اسلامی را مورد واکاوی و سرلوحه مسئولین و افراد هر جامعه اسلامی قرار می‌دهند:

عبرتی که در قضیه عاشورا ما را به خود متوجه می‌کند، این است که ببینیم چه شد که پنجاه سال بعد از درگذشت پیغمبر ﷺ جامعه اسلامی به آن حدی رسید که کسی مثل امام حسین ﷺ، ناچار شد برای نجات جامعه اسلامی، چنین فداکاری‌ای بکند؟ چه شد که بیست سال بعد از شهادت امیرالمؤمنین ﷺ، در همان شهری که او حکومت می‌کرد، سرهای پسرانش را بر نیزه کردند و در آن شهر گرداندند؟! اگر بیماری‌ای وجود دارد که می‌تواند جامعه‌ای را که در رأسش کسانی مثل پیغمبر اسلام و امیرالمؤمنین ﷺ بوده‌اند، در ظرف چند ده سال به آن وضعیت برساند، این بیماری، بیماری خطرناکی است و ما هم باید از آن بترسیم (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۱، ص ۱۹).

ایشان با استناد به قرآن کریم، به بررسی این چالش فرهنگی که ممکن است امنیت هر جامعه اسلامی را تهدید کند، می‌پردازند:

قرآن، آن درد را به مسلمین معرفی می‌کند. آن آیه این است که می‌فرماید: ﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا﴾ (مریم: ۵۹). دو عامل، عامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است: یکی دور شدن از ذکر خدا که

مظهر آن نماز است؛ دوم «وَاتَّبِعُوا الشَّهَوَاتِ»؛ دنبال شهوت‌رانی‌ها رفتن؛ دنبال هوس‌ها رفتن و در یک جمله: دنیاطلبی. دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط فرهنگ فساد و فحشا سعی می‌کند جوان‌های ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک «تهاجم فرهنگی» بلکه باید گفت یک «شبیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است. امروز دشمن این کار را با ما می‌کند (همان).

از منظر مقام معظم رهبری زنده نگاه داشتن شعار اسلامی از جمله راهبردهای مقابله با این تهدید است:

نظام اسلامی، با ایمان‌ها، با همت‌های بلند، با مطرح‌شدن آرمان‌ها و با اهمیت دادن و زنده نگه‌داشتن شعارها به وجود می‌آید و حفظ می‌شود و پیش می‌رود. شعارها را کم‌رنگ کردن، اصول اسلام و انقلاب را مورد بی‌اعتنایی قرار دادن و همه چیز را با محاسبات مادی مطرح کردن و فهمیدن، جامعه را به آنجا خواهد برد که به چنان وضعی برسد. انقلاب اسلامی، یعنی زنده کردن دوباره اسلام؛ زنده کردن ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ﴾ (همان).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که مبتنی بر آموزه‌های فقهی در حوزه فرهنگ، هر آنچه موجب زنده نگاه داشتن شعائر الهی شود، امنیت‌ساز و هر آنچه منجر به تهاجم به باورهای دین شود، امنیت‌سوز است؛ بنابراین همان‌گونه که ارتداد، تشبه به کفار و غرب‌زدگی امنیت‌سوزند، دعوت و جهاد امنیت‌سازند.

۴. نقش آموزه‌های فقهی در تدوین راهبرد امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران با محوریت امنیت خانواده

پس از امنیت فرد که به منزله سلولی در ارگانیسم جامعه است، آن‌گاه به خانواده که واحد بزرگ‌تر و به مثابه مولکول در ارگانیسم بدن اجتماع است، می‌رسیم و نقشی که خانواده (مولکول‌ها) در ساختمان یک جامعه (ارگانیسم یا بدن) دارد آشکار و تأثیر آن در جامعه محرز می‌شود و اینکه حلقه اتصال فرد و جامعه و محل تربیت افراد است (اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۶۰).

در آموزه‌های فقهی، خانواده هسته محوری جامعه و مربی نخست انسان را تشکیل می‌دهد. بنابراین در صورتی که آسیب‌ها و تهدیدهای برهم‌زننده امنیت برداشته شوند، زمینه برای تربیت انسان متعالی در جهت حرکت به سوی رضایت و قرب الهی فراهم خواهد شد.

می‌توان امنیت خانواده از منظر فقه را به این صورت بیان کرد: بر اساس یکی از مهم‌ترین

سازوکارهای نظام آفرینش، آموزه‌های فقهی فرمان به تشکیل خانواده داده‌اند تا با انجام دادن تکالیف و رهنمودهای تربیتی به همراه ترک محرماتی که بنیان خانواده را متزلزل می‌کند، حصار امنی از آسیب‌های درونی و تهدیدهای خارجی فراهم آید و به وضعیت خانواده متعالیه که در آموزه‌های اسلامی ترسیم شده است دست یافته شود.

محور نخست این امر جلوگیری از نفوذ و گسترش محرمات جنسی است که از عوامل ناامنی در خانواده هستند. آموزه‌های فقهی با تشریح احکام و قواعدی، می‌کوشند تا از این عوامل ناامنی جلوگیری کنند و یا از افزایش آن بکاهند.

نگاه به نامحرم یکی از عوامل امنیت‌سوز در فقه امنیت است. اساساً رویکرد فقها به این حکم تحریم، رویکردی پیشگیرانه است تا امنیت زن و مرد و خانواده که محصول ازدواج آن دو است، فراهم آید. صاحب جواهر با ذکر روایت از پیامبر اکرم ﷺ (صدوق، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۰) علت حرمت نگاه به نامحرم را ایجاد مصونیت از زنا و مفتون و شیفته زن نامحرم شدن دانسته است (نباتیان، ۱۳۹۲، ص ۴۹).

حفظ و امنیت خانواده از اهداف مؤکد در فقه اسلامی به شمار می‌رود؛ به همین سبب با تمهید شرایط و تحمیل حدود و تحدیدهایی، کوشیده است خانواده را به عنوان بسط تربیت انسان مقرب و متربی به تربیت الهی، از گزند تهدیدهای مختلف مصون نگاه دارد. یکی دیگر از تهدیدهای جدی علیه امنیت خانواده، ارضای جنسی زن یا شوهر در خارج از چارچوب‌های شرعی (زنا) می‌باشد که علاوه بر ایجاد شکاف بین زن و شوهر و زمینه‌سازی برای فساد افزون‌تر در خانواده و نیز جامعه، موجب تولد فرزندان نامشروعی می‌شود که خود آن نیز در آینده، علاوه بر امنیت خانواده، امنیت اجتماع را به مخاطره می‌اندازد (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۶).

لواط^۱ و سُحق^۲ دو عامل مهم هستند که امنیت خانواده را تهدید می‌کنند. به سبب همین تأثیر مخرب این دو عمل شنیع است که شارع مقدس احکام شدیدی را برای مقابله با آنها وضع کرده است. حاکم، در قتل، بین اینکه گردن او را با شمشیر بزند یا او را از جای بلندی مانند کوه و مثل آن با دست و پای بسته، پرت کند یا او را به آتش بسوزاند یا او را رجم نماید- و بنا بر قولی دیواری را روی او خراب کند- خواه فاعل باشد یا مفعول، مخیر است. جمع بین بقیه مجازات‌ها و سوزاندن، به این صورت که کشته شود و سپس سوزانده شود، جایز است (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۴۹۹-۵۰۰).

۱. همجنس‌بازی بین دو مرد.

۲. همجنس‌بازی بین دو زن.

شناخت آسیب و تهدید، بخشی از مبانی تأمین امنیت است. آموزه‌های دینی علاوه بر تعیین مجازات برای برهم‌زنندگان امنیت خانواده، به ارائه راهکار نیز می‌پردازند. مبانی فقهی و رهنمودهای الهی حاکم بر امنیت خانواده در قالب ابواب و فروع مختلف فقهی تبیین شده است که در ادامه به بررسی راهبردهای مطرح شده می‌پردازیم.

یکی از مصادیق امنیت محیط خانواده، حجاب زنان است. رعایت این فریضه موجب حفظ امنیت، عفت، حیا و پاکی است و در نتیجه موجب گرم شدن کانون خانواده می‌گردد. همچنین انجام این مهم دینی موجب امنیت جسم و روح زن و خانواده است. در آیات متعدد، حدود حجاب و موارد استثنا، وظیفه چشم‌پوشی مردان و زنان نسبت به نامحرم و حفظ دامن و عدم آشکار شدن زینت‌های زنان و نحوه سخن گفتن آنان آمده است. همچنین انجام فرمان‌های الهی از طمع جلویی می‌نماید که ممکن است در افراد مریض دل، وجود داشته باشد. بنابراین پوشش صحیح و رعایت حریم بین محرم و نامحرم از مصادیق تأمین امنیت خانواده است و عدم توجه به این دستورها موجب ناامنی محیط خانواده می‌گردد (اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۶۳).

فقه اسلامی، امنیت خانواده را در سازوکار ازدواج کانالیزه کرده است. علاوه بر حفظ نسل بشر، ازدواج حافظ تقوا و عفاف است و مانع از ارتکاب مفاسد و کبائر مانند زنا، لواط، سحاق و استمناء می‌شود. از دیگر ثمرات ازدواج، سلامت روح و جسم است که امنیت جامعه را نیز در پی دارد. همچنین موجب تقویت فعالیت‌های اقتصادی می‌گردد؛ چراکه اساساً انسان عزب مسئولیت‌پذیر نیست و تلاشی در قبال مسائل مالی و اقتصادی ندارد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۱). بی‌توجهی به چگونگی تربیت فرزندان زمینه را برای خروج آنان از مسیر متعالی آماده می‌کند. فرزند ناخلف، خود آسیبی جدی برای امنیت خانواده است. فرزند حضرت نوح مثال آشکار این ادعاست. با مراجعه به آموزه‌های اسلامی، شاهد آن هستیم که دعا برای داشتن فرزند صالح، از حوایج بزرگانی چون حضرت ابراهیم و زکریا علیهم‌السلام است (مریم: ۲۷ و ۲۸).

قوانین و احکامی که فقه برای صیانت از خانواده وضع کرده است، در صورتی که ضمانت اجرایی و امکان اجرا نداشته باشد، قدرت بازدارندگی نخواهد داشت و غرض شارع از تشریح آن احکام تأمین نخواهد شد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۲۴۵). به همین سبب است که امام صادق علیه‌السلام خیر اقامه حدود الهی برای مردم را بیشتر از چهل روز باران می‌داند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۱۲).

در حوزه تدوین راهبردهای کلان امنیتی و نظامی، خانواده یکی دیگر از مواردی است که

مورد توجه تدوینگران قانون اساسی جمهوری اسلامی قرار گرفته است. امنیت خانواده، یکی از پنج مرجع حفظ امنیت در آموزه‌های فقهی است. بر مبنای آنچه در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده، در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استعمار همه‌جانبه خارجی بوده‌اند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را بازمی‌یابند. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است، اصل اساسی است و فراهم کردن امکانات برای دستیابی به این مقصود، از وظایف حکومت اسلامی است (منصوری، ۱۳۸۷، ص ۲۱).

همچنین در متن قانون اساسی، این مهم به صراحت مورد تأکید قانون‌گذار قرار گرفته و در اصل دهم چنین آمده است: «از آنجاکه خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد».

از منظر امام خمینی رحمته‌الله نقطه آغازین تربیت صحیح و اسلامی از خانواده پایه‌ریزی می‌شود. بنابراین آغاز امنیت‌سازی باید در نهاد خانواده آغاز شود:

از این روست که نقش خانواده و خصوصاً مادر در نونهالان و پدر در نوجوانان بسیار حساس است؛ و اگر فرزندان در دامن مادران و حمایت پدران متعهد به طور شایسته و با آموزش صحیح تربیت شده و به مدارس فرستاده شوند، کار معلمان نیز آسان‌تر خواهد بود. اساساً تربیت از دامن پاک مادر و جوار پدر شروع می‌شود و با تربیت اسلامی و صحیح آنان استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه‌ریزی می‌شود (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۲۴۵).

امام راحل تفاوت احکام اسلامی با دیگر قوانین بشری در پرورش انسان متعالی را در آموزه‌های فقهی این‌گونه تبیین می‌کند:

اسلام [هم] برای تربیت انسان از قبل ازدواج پدر و مادر شروع کرده است. زمین را یک زمین سالم مَطَهَّر می‌خواهد باشد؛ زوج را یک زوج سالم صحیح انسان صفت انتخاب بکند؛ بعد هم آداب دیگر تا وقتی که متولد می‌شود؛ و آداب رضاع و آداب حمل و رضاع و تربیت در دامن مادر و تربیت در پیش پدر و تربیت‌های بعدی که دنبال این می‌آید. هیچ‌یک از قوانین بشر تکفل این امر را ندارد؛ این امر مختص به قوانین انبیاست (همان، ج ۶، ص ۴۲).

در حوزه امنیت خانوادگی، از منظر مقام معظم رهبری، این حیث از امنیت، لازمه زندگی تمام خانواده‌هاست: «همه انسان‌ها به این امنیت زندگی نیاز دارند. لذا شما در قرآن که نگاه کنید، می‌بینید که وقتی بحث ازدواج می‌شود، می‌گوید: ﴿وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾ (اعراف: ۱۸۹)؛ تا مایه سکونت و سکینه - یعنی آرامش - باشد؛ زن و شوهر باید برای هم مایه آرامش باشند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۸، ص ۷). از منظر ایشان اگر موازین فقهی در نهاد خانواده رعایت نشوند، بقا که محوری‌ترین مبحث در مسائل امنیتی و نظامی است، در حوزه خانوادگی به چالش کشیده می‌شود: اگر محرم و نامحرم را رعایت نکنید، اگر حجاب خودتان را رعایت نکردید، اگر مرد حجاب زن را رعایت نکرد، اگر معاشرت‌های بی‌بندوبار و بگوبو بخندهای سبک دخترها و زن‌ها و پسرها با همدیگر در جامعه‌ای بود، آنچه لازمه بقای خانواده شماسست، تحقق پیدا نمی‌کند (خامنه‌ای، سال ۱۳۷۸، ص ۷).

با توجه به مسائلی که تا کنون بیان شد، می‌توان گفت که مبتنی بر آموزه‌های فقهی در حوزه خانواده، عواملی که منجر به حفظ حریم خانواده شود، امنیت‌ساز و هر آنچه خانواده را از سیر تعالی دور نماید، امنیت‌سوز است. بنابراین همان‌گونه که عواملی چون عدم رعایت حریم محرم و نامحرم، زنا، عدم توجه به تربیت فرزندان امنیت‌سوزند، عواملی چون حجاب، ازدواج و تربیت فرزند متعالی امنیت‌سازند.

۵. نقش آموزه‌های فقهی در تدوین راهبرد امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران با محوریت امنیت روانی

بر مبنای آموزه‌های فقهی، انجام واجبات و ترک محرمات است که موجب امنیت روح و ذهن آدمی می‌گردد. از این مؤلفه با عنوان «سازوکار تأمین امنیت روانی» یاد می‌کنیم. بر همین مبنای، ترک واجبات و انجام محرمات است که ناامنی روانی می‌شود. از این مؤلفه نیز با عنوان آسیب‌ها و تهدیدهای امنیت روانی یاد می‌کنیم. از سوی دیگر با توجه به این نکته که بر مبنای برخی مکاتب فکری، امنیت، امری ذهنی تلقی می‌شود، این مبحث می‌تواند مورد اهتمام قرار گیرد.

هر آنچه تاکنون از محرمات بیان شد، از عواملی است که امنیت روانی انسان را بر هم می‌زند. از جمله این عوامل می‌توان به این موارد اشاره کرد: هر آنچه موجب زوال عقل می‌شود (همانند مسکرات، موسیقی و ...)، یأس از رحمت خدا، درگوشی صحبت کردن (که موجب سلب امنیت روانی حضار می‌گردد)، سوء سابقه امنیتی، تهمت و بهتان، بخل و حسادت، تمسخر، نام‌زشت نهادن، ظن و گمان سوء، تجسس در امور دیگران، غیبت و هر آنچه از گناهان به شمار می‌آید. در

ادامه مهم‌ترین عوامل برهم‌زننده امنیت روانی را بررسی می‌کنیم.

علاقه به دنیا، یکی از عوامل ناامنی روانی است. این حُب در کنار عملی که شیطان انجام می‌دهد مانعی بزرگ برای سعادت انسان به شمار می‌آید. در آیات متعدد قرآن کریم،^۱ کارکرد شیطان به عنوان دشمن قسم‌خورده انسان، این است که اعمال بد انسان را و امور مادی زودگذر را زیبا و زینتی نشان می‌دهد. حب دنیا، انسان را به محرمات الهیه وامی‌دارد و از واجبات شرعیه منصرف می‌کند.

از جمله آسیب‌هایی که از منکر فقهی صادر می‌شود، مشغول کردن انسان به حیات دنیوی و بازداری او از نگاه به سعادت اخروی است. در آموزه‌های فقهی آنچه به عنوان مصادیق لهو و لعب قلمداد می‌شود، مورد حرمت شارع مقدس قرار گرفته است (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲). بر مبنای آموزه‌های فقهی، اجرای فرمان‌های الهی حاشیه امنی برای مؤمن ایجاد می‌کند. این حاشیه از این طریق ایجاد می‌شود که اگر انسان مسلمان واجبات موظفه را انجام داده و محرمات منهی را ترک کرده باشد، به این رجا رسیده است که بی‌شک وعده الهی صادق است و در امنیت و سلامت در فردوس برین سکنا خواهد گزید. این انسان متعالی به درجه‌ای از امنیت روانی می‌رسد که هنگام عروج از باند فرودگاه دنیا، با قلبی آرام، روحی مطمئن و ضمیری امیدوار به سمت معبود خود پرواز می‌کند.

بر مبنای کتب و ابواب فقهی تعالیمی همچون، نماز و زکات، روزه و اعتکاف، حج و حدود در بردارنده پیامد ثانوی‌اند که در گستره تحقیق حاضر، می‌توان از آن در جدول وجوه امنیت روانی بهره برد (لکزائی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۲).

آزادی عقیده و عدم تفتیش عقاید از جمله مؤلفه‌هایی است که می‌توان در حوزه امنیت روانی بدانها توجه کرد. با توجه به حاکمیت آموزه‌های فقهی در نظام جمهوری اسلامی ایران است که این مهم در تدوین قوانین مورد توجه قرار می‌گیرد. اصل ۲۳ و ۲۵ قانون اساسی به‌خوبی به این موضوع پرداخته و بیان می‌دارد: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرارداد». «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است؛ مگر به حکم قانون».

بر اساس نگرش امام خمینی رحمته‌الله، جامعه مستضعفین می‌تواند با رعایت فرمان‌های الهی به

۱. سوره‌های بقره: ۲۱۲؛ آل عمران: ۱۴؛ انعام: ۱۳۷، ۱۲۲، ۴۳؛ انفال: ۴۸؛ توبه: ۳۷؛ یونس: ۱۲؛ رعد: ۳۳؛ نمل: ۲۴؛ عنکبوت: ۳۸؛ فاطر: ۸؛ غافر: ۳۷؛ محمد: ۱۴؛ فتح: ۴۸.

جامعه امنیت‌ساز در بعد روانی تبدیل شود. رعایت احکام الهی، اطمینان و آرامشی برای انسان متعالی به همراه دارد که انسان متعارف و متدانی نمی‌تواند به‌سادگی به آن دست یابد:

شما اگر توجه کنید، قدرت‌های بزرگ را ببینید، می‌بینید که آن‌قدر اضطرابی که در سران قدرت‌های بزرگ هست، در شما اشخاصی که برای خدا عمل می‌کنید و از خدا می‌خواهید اجر را، این اضطراب نیست. این یک نعمتی است که خدا به شما داده و شاید ماها هم نتوانیم درست بفهمیم نعمت‌های خفی الهی را؛ نعمت طمأنینه، نعمت آرامش، نعمت سکینه قلب. اطمینان قلب، در شما گروه‌ها و در گروه‌های به نظر آنها مستضعف، هست و در آن بالاها نیست (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۲۶۴).

از منظر مقام معظم رهبری، در نظام جمهوری اسلامی ایران، باور و عمل به آموزه‌های اسلامی است که امنیت روانی را برای یک جامعه به ارمغان می‌آورد:

به مناسبت گذشتن ۳۱ سال از استقرار نظام جمهوری اسلامی، یک تعریف قرآنی از نظام مقدس اسلامی و از حکومت اسلامی است. اساس حکومت اسلامی و شاخص عمده این حکومت عبارت است از استقرار ایمان؛ ایمان به خدا، ایمان به تعالیم انبیا و سلوک در صراط مستقیمی که انبیای الهی در مقابل پای مردم قرار دادند. اساس، ایمان است. ایمان به خدای متعال موجب می‌شود که بشر در زندگی مادی خود بتواند همه آن چیزهایی را که انسان به آن نیازمند است، به دست بیاورد: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنَ الرِّبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمَنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ﴾ (مانده: ۶۶)؛ اگر اقامه دین بشود، اگر تعالیم اسلامی در جامعه عمل بشود، انسان‌ها از لحاظ رفاه به آن حدی می‌رسند که هیچ نیازی برای آنها باقی نماند که تأمین نشده باشد. از لحاظ آسایش معنوی و روانی انسان، احساس امنیت و آرامش، باز نقش ایمان برجسته است. به گفته قرآن: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ. يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ﴾ (مانده: ۱۵ و ۱۶)؛ راه‌های سلامت را، راه‌های آرامش را، راه‌های امنیت روانی را قرآن به انسان تعلیم می‌دهد. این راهی است که بشر را به آرامش روانی می‌رساند؛ یعنی همان چیزی که امروز دنیا در فقدان آن، در حال التهاب است. پیشرفت مادی هست؛ پیشرفت فناوری و علمی هست؛ ثروت‌های کلان در دست جوامع هست؛ اما آسایش نیست؛ آرامش نیست. این به خاطر کمبود این عنصر اساسی در زندگی انسان است که عبارت است از ایمان. برافراشتن پرچم اسلام که عقیده عمیق و دل‌بستگی دیرین مردم است و برخورداری از امنیت روانی و عدالت و پیشرفت و شکوفایی‌ای که جز در سایه شریعت

اسلامی به دست نخواهد آمد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۳۴).

با توجه به مسائلی که تا کنون بیان شد، می‌توان گفت که مبتنی بر آموزه‌های فقهی در حوزه امنیت روانی، رعایت فرمان‌های الهی که مشتمل بر واجبات و محرمات است، امنیت‌ساز و هر آنچه تخلف از تشریح الهی باشد، امنیت‌سوز است. بنابراین همان‌گونه که عدم انجام واجبات الهی همانند نماز و روزه و ارتکاب محرماتی چون نوشیدن مسکرات، لهو و لعب امنیت‌سوز است، برپایی شعائر اسلامی، زکات و... در کنار دوری جستن از محرماتی چون ظن، گمان سوء و تجسس امنیت‌ساز است.

نتیجه‌گیری

با مراجعه به اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران، شاهد آنیم که آموزه‌های فقهی، نقش محوری در تدوین راهبرد امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران دارند. بر طبق آنچه در فقه اسلامی آمده است، امنیت در پنج حوزه مورد توجه شارع قرار گرفته است. در شریعت اسلامی حفظ نفس، مال، دین، نسب و عقل، پنج مرجع محوری در ایجاد امنیت هستند.

آموزه‌های فقهی، با برشمردن آسیب‌ها و تهدیدها در حوزه مصالح خمسسه، علاوه بر ترسیم سازوکار مقابله با آن در قالب تحریم عوامل امنیت‌سوز، شناساندن عوامل امنیت‌ساز و وجوب انجام این‌گونه افعال، زمینه را برای تعالی انسان به سمت سعادت و رستگاری که هدف نهایی امنیت متعالیه است، فراهم آورده است.

قانون اساسی، بیانات بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران و سخنان مقام معظم رهبری، هر یک گواهی خاص بر اهتمام به فقه اسلامی در تدوین راهبرد امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران هستند. تأکید محوری در اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران بر این موضوع استوار است که پس از ایمان به آموزه‌های اعتقادی، مهم‌ترین مسئله در حوزه امنیت، سرازیر شدن این نوع از باور به حوزه عمل است. در واقع ایمان مؤمنان و انجام اعمال صالح، مقتضی رعایت امنیت فردی و اجتماعی افراد و عدم تعرض و تعدی به حقوق جامعه می‌شود که در صورت رعایت این مهم، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به سمت برپایی جامعه امن الهی حرکت کند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اسلامی، علیرضا (۱۳۸۵). امنیت در قرآن، علوم سیاسی. قم: ۳۳: ۵۹-۸۰.
۳. آشنا، حسام‌الدین، و اسمعیلی، محمدصادق (۱۳۸۹). امنیت فرهنگی؛ مفهومی فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی، راهبرد فرهنگ، ۵: ۸۳-۹۰.
۴. بیرو، آلن (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۸-۱۳۹۰)، نرم‌افزار حدیث ولایت (مکتوبات و بیانات). قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.
۷. سلار دیلمی، حمزه‌بن عبدالعزیز (۱۹۹۴م). المراسم العلویه. بیروت: دارالحق.
۸. شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۰). اندیشه سیاسی محقق حلی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۹. شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۷). قواعد فقه سیاسی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۹ق). من لایحضره الفقیه. ترجمه علی‌اکبر غفاری و محمدجواد صدر بلاغی، تهران: نشر صدوق.
۱۱. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ پنجم.
۱۲. عاملی، محمدبن مکی (شهید اول) (بی‌تا). القواعد والفوائد. قم: مکتبه المفید.
۱۳. لکزائی، نجف (۱۳۹۳). مطالعات فقهی امنیت، پژوهشنامه علوم سیاسی. ۹ (۲): ۱۸۱-۲۰۶.
۱۴. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة اطهار. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا. چاپ نوزدهم.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق). انوار الفقاهه، کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۱۸. منصور، جهانگیر (۱۳۸۷). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر دوران. چاپ پنجاه و نهم.
۱۹. موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم، ۱۴۲۷، فقه الحدود و التعزیرات، قم، مؤسسه النشر لجامعه المفید.
۲۰. موسوی خمینی (۱۳۸۶). تحریر الوسیله (ترجمه فارسی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام چاپ دوم.
۲۱. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۸)، استفتاءات (از سری نرم‌افزارهای مجموعه نور). تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۲۲. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۸). صحیفه امام (از سری نرم‌افزارهای مجموعه نور). تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم

- اسلامی.
۲۳. نباتیان، محمد اسماعیل (۱۳۹۲). فقه و امنیت (بررسی مبانی فقهی امنیت در نظام اسلامی با عنایت به تطور و توسعه مفهوم امنیت). پایان‌نامه دکتری رشته انقلاب اسلامی. قم: دانشگاه معارف اسلامی.
۲۴. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.